

تاریخ پنهان آیه چهل — عدد بیست

وای دوم — بخش هفتم — حزقیال

Jeff Pippenger

2026-07-29

این برداشت کتاب مقدسی پذیرفتنی است که نبی حزقیال را در آیات آغازین کتابش سی ساله بدانیم.

و واقع شد که در سال سیام، در ماه چهارم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در میان اسیران نزد نهر خابور بودم، آسمان‌ها گشوده شد و رؤیاهای خدا را دیدم. در روز پنجم ماه، که سال پنجم اسارت یهوایکین پادشاه بود، کلام خداوند صریحاً بر حزقیال کاهن، پسر بوزی، در سرزمین گلدانیان نزد نهر خابور نازل شد؛ و دست خداوند در آنجا بر او بود. حزقیال ۱:۱-۳.

برخی بر این باورند که «سال سیام» بر یک چرخه خاص یوبیل مبتنی است؛ چرخه‌ای که با پادشاه یوشیا آغاز شد و با آیه نخست فصل چهل به پایان رسید.

در سال بیست و پنجم اسارت ما، در ابتدای سال، در دهمین روز ماه، در سال چهاردهم پس از آنکه شهر زده شد، در همان روز، دست خداوند بر من بود و مرا بدان‌جا برد. حزقیال ۱:۴۰.

گاه‌نگاران کتاب مقدسی آیه نخست باب چهل را یا به ۲۸ آوریل ۵۷۳ ق.م. یا به ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. نسبت می‌دهند. همه انبیا ایام آخر را معرفی می‌کنند؛ از این‌رو تاریخ پاییزی ۲۲ اکتبر ۵۷۳ ق.م. تاریخ امگای خطی است که پنجاه سال پیش‌تر، در آنچه «فصح عظیم یوشیا» خوانده می‌شود، در ۵ مه ۶۲۲ ق.م. آغاز شد.

عدد سی نمادی از کاهنان است که می‌بایست هنگامی که خدمت خود را آغاز می‌کردند، سی ساله باشند. خواه آیات یک تا سه حزقیال یک، سن حزقیال را سی سال معین سازد، یا صرفاً او را به عنوان نماد یک کاهن نشان دهد، در هر حال او به صورت سی ساله نیز بازنموده می‌شود. اگر سی سال مذکور در آیه یک، چنان‌که دیگران بر این باورند، نمایانگر سی‌امین سال از زمان فصح عظیم یوشیا در 622 BC باشد، دلالت‌های نبوی همچنان همان است.

یوشیا به معنای «بنیاد» است، و عید فصح عظیم او دوره‌ای یوبیلی را آغاز کرد که در ۲۲ اکتبر، در روز کفاره، سال ۵۷۳ پیش از میلاد، به پایان رسید. «خط یوبیل» از یوشیا تا ۲۲ اکتبر با تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ منطبق است. بنیادهای سال ۱۸۴۰ به وسیله پادشاه یوشیا و نیز به وسیله یوشیا لیچ نمود یافته بود. ۲۲ اکتبر با به صدا درآمدن شاخ گرنای یوبیل همراه با شاخ روز کفاره نمود یافته بود.

و برای خویشتن هفت سبت سال‌ها را بشمار، یعنی هفت بار هفت سال؛ و مدت هفت سبت سال‌ها برای تو چهل و نه سال خواهد بود. آنگاه در روز دهم ماه هفتم، کرنای یوبیل را به صدا درآور؛ در روز کفاره، کرنا را در سراسر تمامی سرزمین خود بنوازید. لاویان ۲۵:۸، ۹

حزقیال در امتداد خط یوبیل از پادشاه یوشیا تا ۲۲ اکتبر قرار داده شده است؛ خطی که فرشته اول و دوم مکاشفه ۱۰ را از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ نمایندگی می‌کند. حزقیال نماینده میلریتی‌های فرشته اول و دوم، و نیز یکصد و چهل و چهار هزار فرشته سوم است. حزقیال نماینده کهانت یکصد و چهل و چهار هزار است، اما صفت نبوی اصلی او این است که او نبی است.

نبی، کاهن و پادشاه

سه شخصیت کتاب مقدسی وجود دارند که خدمت خود را در سی سالگی آغاز کردند. همراه با حزقیال، داود و یوسف نیز بودند. از آنجا که همگی در سن سی سالگی آغاز به خدمت کردند، همگی کاهنانند. داود نماد پادشاه است، یوسف کاهن است، و حزقیال نبی در پادشاهی سه گانه جلال که از نبی، کاهن و پادشاه تشکیل شده است.

با این حال، هرگونه که نبی حزقیال را به عنوان نماد به کار ببریم، او کاهن است؛ و هنگامی که در امتداد خط یوبیل از یوشیا تا ۲۲ اکتبر به کار برده شود، حزقیال کاهنی است که کاهنی را در زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار تن نمایندگی می کند، آن گونه که به وسیله تاریخ ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ و پادشاه یوشیا تا ۲۲ اکتبر، ۵۷۳ ق.م. به صورت نمادین نشان داده شده است.

بیست و دو

کتاب مقدس به روشنی بیان می کند که حزقیال به مدت بیست و دو سال خدمت کرد. «بیست و دو» نمادی از صد و چهل و چهار هزار نفر است که نشان الوهیت متحد با انسانیت می باشند. در تاریخی که از فیصیح یوشیا تا جشن یوبیل بیست و دوم اکتبر فصل چهل نمایانده شده است، فیصیح یوشیا ممثل کار یوشیا لیچ در سال های ۱۸۳۸ و ۱۸۴۰ بود. آن کار، عرضه کردن نبوت های زمانی وای اول و وای دوم بود. اکنون می توان دید که نبوت وای اول و وای دوم بسیار گسترده تر از آن است که پیشگامان تشخیص داده بودند.

حزقیال، به عنوان نبی کتاب مقدسی، در نوشته های خود تاریخ های مشخص تری را بیش از هر نویسنده دیگر کتاب مقدس ذکر می کند.

حزقیال اومگای اصل «یک روز برابر با یک سال» در نبوت کتاب مقدسی است. در کتاب اعداد، یادکرد آلفای اصل روز-سال در نخستین شورش در قادش نمایان می شود؛ شورش که چهل سال سرگردانی در بیابان را به بار آورد. آخرین شورش، یا شورش اومگا، در باب چهارم حزقیال به تصویر کشیده می شود، آن گاه که اورشلیم نابود می گردد.

آلفا

به شمار روزهایی که آن زمین را جاسوسی کردید، یعنی چهل روز، برای هر روز یک سال، بار گناهان خویش را خواهید بر دوش کشید، یعنی چهل سال، و خواهید دانست که روی گردانی من چیست. من، یهوه، سخن گفته ام؛ یقیناً این را با تمامی این جماعت شریر که بر ضد من گرد آمده اند، به جا خواهم آورد: در این بیابان نابود خواهند شد و در همین جا خواهند مرد. اعداد ۱۴:۳۴،

35

اُمگا

تو نیز بر پهلوی چپ خود بخواب و گناه خاندان اسرائیل را بر آن بگذار؛ موافق شمار روزهایی که بر آن خواهی خفت، گناه ایشان را بر خود خواهی برداشت. زیرا من سال های گناه ایشان را بر تو نهاده ام، بر حسب شمار روزها، سیصد و نود روز؛ پس گناه خاندان اسرائیل را بر خود خواهی برداشت. و چون این ها را به انجام رساندی، بار دیگر بر پهلوی راست خود بخواب، و گناه خاندان یهودا را چهل روز بر خود خواهی برداشت: من هر روز را به جای یک سال برای تو مقرر داشته ام. پس روی خود را به سوی محاصره اورشلیم متوجه ساز، و بازویت برهنه باشد، و بر ضد آن نبوت کن. حزقیال ۴:۴-۷.

قادش و ویرانی اورشلیم نمایانگر عصیان آلفا و اُمگا هستند که اصل «یک روز برای یک سال» را باز می‌نمایانند. «اصل یک روز برای یک سال» قاعده اصلی میلی‌ها بود و در تاریخ 1840 تا 1844، چنان‌که در خط یوبیل ملک یوشیا تا 22 اکتبر به صورت نمادین پیش‌نموده شده است، به کار می‌رفت. حزقیال بیش از هر نبی دیگری تاریخ‌ها را بیان می‌کند. در چارچوب تاریخ‌گذاری حزقیال، خط یوبیل شناسانده می‌شود و بدین‌سان شهادت حزقیال مستقیماً به تاریخ فرشته اول و دوم، و پس از آن به تاریخ فرشته سوم، پیوند می‌یابد.

همراه با «خط یوبیل»، حزقیال سیصد و نود روز بر پهلوی خود دراز می‌کشد، سپس چهل روز بر پهلوی دیگر خود. «چهارصد و سی» نمادی از عهدهای قدیم و جدید است، زیرا وعده عهد ابرام درباره چهارصد سال اسارت در مصر، شاهد دوم سی سال را در رسول، پولس، یافت. ابرام، (که بعدها ابراهیم نامیده شد) از «عهد قدیم» و شائول، (که بعدها پولس نامیده شد) از «عهد جدید»، با هم شهادت‌های خود را در هم آمیختند تا چهارصد و سی سال را به عنوان نماد عهد جاودانی برقرار سازند. «سیصد و نود روز» «باید گناه خاندان اسرائیل را بر خود حمل کنی.» «و» «باید گناه خاندان یهودا را چهل روز بر خود حمل کنی.» پهلوی راست و پهلوی چپ با هم برابر با ابرام و پولس هستند.

عهد همواره بر اطاعت یا نافرمانی—حیات یا موت—بنا شده است. اصل یک روز برابر با یک سال در تاریخ میلریتی، مسئله‌ای از جنس حیات یا موت بود، و این تاریخ به وسیله فرشته اول به عنوان انجیل جاودانی اعلام شد. «انجیل» مسئله‌ای از جنس حیات یا موت است، و مسئله آزمون حیات یا موت در تاریخ میلریتی در چارچوب اصل برابری یک روز با یک سال قرار داده شده بود. پیشگویی‌ای که پیام فرشته اول را نیرو بخشید، نبوت سیصد و نود و یک سال و پانزده روز وای دوم بود. در درون سیصد و نود روزی که حزقیال بر پهلوی چپ خود خوابید، تصویری از نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز وای دوم نهفته است. برای آنکه نبوت به درستی تقسیم شود، بصیرت نبوی لازم است؛ اما این چیزی جز کار مستمر شیر سبط یهودا در گشودن مهر پیام فریاد نیمه شب نیست.

من بر این باورم که حزقیال باید به مثابه نمادی از آن یکصد و چهل و چهار هزار تن در نظر گرفته شود، اما در درجه نخست به مثابه نمادی از عطیۀ روح نبوت، خواه به عنوان تجلی یک نبی آخرالزمانی نمود یافته باشد، یا به عنوان تجلی قوم عهد که اصل روش «حکم بر حکم» را درک می‌کنند.

من بر آنم که نوری که حزقیال بر نبوت سیصد و نود و یک سال و پانزده روز می‌افکند، با آن مرد خاک‌روب که جواهرات را به درون صندوقچه بزرگ‌تر می‌افکند، هم‌راستا است.

من بر آنم که نوری که از حزقیال می‌تابد، هنگامی که هیکل به کمال رسیده باشد، جزئی اساسی از پیام سنگ سر زاویه است.

حزقیال در آیه نخست فصل چهارم، در بیست و دوم اکتبر قرار دارد، و در همان‌جاست که رؤیای معبد آینده به حزقیال داده می‌شود. آن معبد، معبد یکصد و چهل و چهار هزار است، که حزقیال نمادی از آن عدد می‌باشد. آن گروه پیش از آنکه به سومین و آزمون تورنسل برسند، از دو آزمون گذشته خواهند بود. حزقیال چنین به تصویر کشیده شده است که نور خود را در معبد دریافت می‌کند، و از این‌رو نوری که او به عنوان نماد پدید می‌آورد، نمایانگر نوری است که هنگامی می‌آید که قوم خدا، در هماهنگی با فصل دهم دانیال، به قدس‌الاقداس وارد می‌شوند.

نور مکاشفه عیسی مسیح که گشوده شده است، درست پیش از بسته شدن مهلت توبه گشوده می‌شود.

و به من گفت: «سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا وقت نزدیک است. هر که ظالم است، باز ظلم کند؛ و هر که ناپاک است، باز ناپاکی کند؛ و هر که عادل است، باز عدالت ورزد؛ و هر که

مقدّس است، باز مقدّس باشد.» مکاشفه ۱۰:۲۲، ۱۱

«زمان نزدیک است» درست پیش از بسته شدن مهلت فیض در آیه یازدهم، و از این رو مکاشفه عیسی مسیح در همان زمان گشوده می شود، زیرا «زمان نزدیک است».

مکاشفه عیسی مسیح، که خدا آن را به او داد تا اموری را که می باید به زودی واقع شود به بندگان خود بنمایاند؛ و آن را به واسطه فرشته خود فرستاد و بر بنده خود یوحنا آشکار ساخت: همان که به کلام خدا، و به شهادت عیسی مسیح، و به هر آنچه دید، شهادت داد. خوشا به حال آن که می خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می شنوند و آنچه را در آن نوشته شده است نگاه می دارند، زیرا وقت نزدیک است. مکاشفه ۱:۱-۳

مهلت امتحان برای ادونتیسیم لاودیکه ای روز هفتم در قانون یکشنبه به پایان می رسد، و در باب نهم حزقیال، ادونتیسیم به صورت اورشلیم نمایانده شده است. در آنجا، کسانی که برای مکروهاتی که در زمین و در کلیسا انجام می شود آه و ناله می کنند، مهر را دریافت می نمایند. مهر شدن در زمانی رخ می دهد که بادهای شرقی اسلام ملت ها را به خشم می آورند، درست پیش از آنکه مهلت امتحان بسته شود. در باب هشتم حزقیال، چهار نسل ادونتیسیم به پایان می رسند، و نسل چهارم با بیست و پنج رهبر که به سوی خورشید سجده می کنند، نمادین شده است.

آن رؤیا به صورت نمادین، یک روز پیش از قانون یکشنبه، یا درست پیش از پایان مهلت توبه، که با شش، شش، شش نمایان شده است، داده شد.

و در سال ششم، در ماه ششم، در روز پنجم ماه، واقع شد که چون در خانه خود نشسته بودم و مشایخ یهودا پیش روی من نشسته بودند، دست خداوند یهوه در آنجا بر من فرود آمد. آنگاه نگریستم، و اینک شباهتی چون منظر آتش: از منظر کمر او به پایین، آتش؛ و از کمر او به بالا، همچون منظر درخشندگی، مانند رنگ کهربا. و او صورت دستی را دراز کرد و مرا از گیسویی از سرم گرفت؛ و روح، مرا میان زمین و آسمان برگرفت و در رؤیاهای خدا به اورشلیم آورد، به در دروازه داخلی که به سوی شمال است؛ جایی که جایگاه تمثال غیرت بود که غیرت را برمی انگیزد. و اینک جلال خدای اسرائیل در آنجا بود، موافق رؤیایی که در هامون دیده بودم. حزقیال ۸:۱-۴.

رؤیای سال ششم، ماه ششم و روز پنجم، درست پیش از «۶۶۶» آمد؛ نمادی از قانون یکشنبه، آنگاه که مهلت آزمون برای ادونتیسیم لاودیکه به پایان می رسد. آن رؤیا «مطابق رؤیایی» بود که حزقیال «در هامون» دید. رؤیایی که او در هامون دید، پیش تر، در باب سوم، یافت می شود.

پس برخاستم و به سوی صحرا رفتم؛ و اینک جلال خداوند در آنجا ایستاده بود، مانند همان جلالی که نزد نهر خابور دیده بودم؛ و به روی خود در افتادم. حزقیال ۳:۲۳.

رؤیای «دشت»، که رؤیای سال ششم، ماه ششم و روز پنجم بود، همان رؤیایی بود که حزقیال پیش تر نزد نهر خابور دیده بود.

و واقع شد که در سال سیام، در ماه چهارم، در روز پنجم ماه، هنگامی که من در میان اسیران، نزد نهر خابور بودم، آسمان ها گشوده شد و رؤیاهای خدا را دیدم. حزقیال ۱:۱

«رؤیاهای خدا» که حزقیال «دید»، نزد نهر خابور، رؤیای صحرا بود؛ و آن همان رؤیای حزقیال، فصل های هشت تا یازده نیز بود. آن رؤیاها در بستر آن ارائه شدند که حزقیال به درون مقدّس می نگرست، و این همان جایی است که رؤیای آینه وار «marah» در فصل ده به انجام می رسد. حزقیال نماینده کسانی است که از نور نبوتی ساطع از قدس الاقداس بهره مند می شوند، آنگاه که مکاشفه عیسی مسیح درست پیش از بسته شدن زمان فیض به ظهور آورده می شود.

هنگامی که خط یوبیل پادشاه یوشیا را که با فیصَح آغاز می‌شود و در ۲۲ اکتبر پایان می‌یابد شناسایی می‌کنیم، در واقع نمادِ اعیادِ بهاری و اعیادِ پاییزی را، چنان که در لاویان بیست‌وسه بیان شده است، شناسایی می‌کنیم. در آنجا اعیادِ بهاری و پاییزی هر یک در بیست‌ودو آیه مطرح شده‌اند، همان‌گونه که خدمتِ حزقیال به مدت بیست‌ودو سال بود. هم‌راستا ساختنِ حزقیال در سال سی‌ام خطِ یوبیل این امکان را فراهم می‌آورد که تولدِ حزقیال با احیای یوشیا هم‌راستا شود. اگر او در سال سی‌ام چرخه یوبیل سی ساله بوده باشد، آنگاه حزقیال در هنگامِ اصلاحاتِ یوشیا متولد شده است.

حزقیال نمادِ کسانی است که به واسطهٔ ایمان به قدس‌الاقداَس داخل می‌شوند. چون به آنجا برسند، چرخ‌هایی را در میان چرخ‌ها می‌بینند که نمایانگر کنش پیچیدهٔ تعاملات انسانی است. همان‌گونه که یوحنا در مکاشفه فصل دهم چنین است، حزقیال نمایندهٔ میلری‌هاست، اما به‌طور مستقیم‌تر، نمایندهٔ یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. نبوت زمانی موازی او، یعنی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز، داوری نهایی ادونتیسْم لائودیکیه را با نابودی اورشلیم به تصویر می‌کشد، و معمای سی و هشت و چهل را نیز در بر می‌گیرد.

این شامل نمادپردازی چهارصد و سی سال است.

این شامل دورهٔ چهارساله‌ای است که به‌وسیلهٔ ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۸، ۱۴۴۹ تا ۱۴۵۰ و ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۱ نشان داده شده است.

بررسی‌های خود را دربارهٔ این موضوع بس مهم، در مقالهٔ بعدی آغاز خواهیم کرد.

«در رؤیاهایی که به اشعیا، به حزقیال، و به یوحنا عطا شد، می‌بینیم که آسمان تا چه اندازه با رویدادهایی که بر زمین به وقوع می‌پیوندد پیوندی نزدیک دارد، و توجه خدا به کسانی که نسبت به او وفادارند تا چه اندازه عظیم است.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۷۵۳.

«خودِ مسیح، خداوندِ هیکل بود. هنگامی که او آن را ترک می‌کرد، جلال آن نیز از آن رخت برمی‌بست—همان جلالی که زمانی در قدس‌الاقداَس، بر فراز مسندِ رحمت، به گونه‌ای آشکار دیده می‌شد؛ جایی که کاهن اعظم تنها سالی یک بار، در روز بزرگِ کفاره، با خون قربانی ذبح‌شده (که نمادی از خون پسرِ خدا بود که برای گناهان جهان ریخته شد) وارد می‌گشت و آن را بر مذبح می‌پاشید. این همان شکیته بود، سرافردهٔ مرئیِ یهوه.»

«این همان جلالی بود که بر اشعیا مکتشف شد، آنگاه که می‌گوید: «در سالی که عزّیا پادشاه وفات یافت، خداوند را دیدم که بر کرسی‌ای بلند و برکشیده نشسته بود، و دامان او هیکل را پر ساخته بود» [اشعیا ۶:۸–۸ نقل شده است].» تفاسیر کتاب مقدس ادونتیسْت‌های روز هفتم، جلد ۴، ۱۱۳۹.

«رؤیایی که به اشعیا عطا شد، وضعیت قوم خدا را در ایام آخر نمایان می‌سازد. آنان این امتیاز را دارند که به‌وسیلهٔ ایمان، کاری را که در قدس آسمانی در جریان است، ببینند. «و هیکل خدا در آسمان گشوده شد، و تابوت عهد او در هیکلش دیده شد.» هنگامی که آنان با ایمان به قدس‌الاقداَس می‌نگرند و کارِ مسیح را در قدس آسمانی مشاهده می‌کنند، درمی‌یابند که قومی ناپاک‌لب‌اند—قومی که لب‌هایشان بارها باطل گفته است، و استعدادهایشان تقدیس نشده و برای جلال خدا به کار گرفته نشده است. چه بجاست که چون ضعف و بی‌ارزشی خود را با پاکی و دل‌انگیزی سیرتِ پر جلالِ مسیح مقابله می‌کنند، به نومیدی افتند. اما اگر آنان نیز، همچون اشعیا، تأثیری را که خداوند قصد دارد بر دل نهاده شود بپذیرند، اگر جان‌های خود را در حضور خدا فروتن سازند، برای ایشان امید هست. کمان وعده بر فراز تخت است، و کاری که برای اشعیا انجام شد، در ایشان نیز انجام خواهد گرفت. خدا به درخواست‌هایی که از دل توبه‌کار برمی‌خیزد، پاسخ خواهد داد.»

«مقصود این کار عظیم و پرهیبت خدا این است که خوشه‌ها را برای انبار آسمانی گرد آورد؛ زیرا زمین باید از جلال خداوند مملو گردد. پس هیچ‌کس چون شرارت غالب را می‌بیند و سخنانی را که از لب‌های ناپاک بیرون می‌آید می‌شنود، هراسان نگردد. هنگامی که قوای ظلمت در برابر قوم خدا صف‌آرایی می‌کنند؛ هنگامی که شیطان نیروهای خود را برای آخرین نبرد بزرگ بسیج می‌کند، و قدرت او عظیم و نزدیک به کمرشکن می‌نماید، رؤیت روشن جلال الهی، تخت بلند و برافراشته، که با کمان وعده طاق‌پوش شده است، تسلی، اطمینان، و آرامش خواهد بخشید.» Review and Herald, 22 دسامبر 1896.

«بر کرانه‌های نهر خابور، حزقیال گردبادی را دید که گویی از شمال می‌آمد، «ابر عظیمی، و آتشی که در خود می‌پیچید، و فروغی گرداگرد آن بود، و از میان آن چیزی مانند رنگ کهریا.» شماری چرخ، که در یکدیگر تلاقی داشتند، به‌وسیله چهار موجود زنده به حرکت درمی‌آمدند. بسی بر فراز همه این‌ها «شبه تختی بود، مانند منظر سنگ یاقوت کبود؛ و بر شبه تخت، شبیهی چون منظر انسان بر فراز آن.» و در کروی‌بان، هیئت دست انسانی در زیر بال‌های ایشان پدیدار بود.» حزقیال ۱:۴، ۲۶؛ ۱۰:۸. ترتیب چرخ‌ها چنان پیچیده بود که در نظر نخست آشفته می‌نمود؛ اما در کمال هماهنگی حرکت می‌کردند. موجودات آسمانی، که به‌وسیله دستی در زیر بال‌های کروی‌بان نگاه داشته و هدایت می‌شدند، این چرخ‌ها را به حرکت وامی‌داشتند؛ و بر فراز آن‌ها، بر تخت یاقوت کبود، آن وجود ازلی قرار داشت؛ و گرداگرد تخت، رنگین‌کمانی بود، نماد رحمت الهی.»

«همان‌گونه که پیچیدگی‌های چرخ‌مانند تحت هدایت دستی بود که زیر بال‌های کروی‌بان قرار داشت، بازی پیچیده حوادث بشری نیز تحت کنترل الهی است. در میان کشمکش و غوغای ملت‌ها، آن‌که بر فراز کروی‌بان نشسته است، هنوز هم امور زمین را هدایت می‌کند.»

«تاریخ ملت‌هایی که یکی پس از دیگری زمان و جایگاه مقدّر خویش را اشغال کرده‌اند و ناآگاهانه بر حقیقتی گواهی داده‌اند که خود معنای آن را نمی‌دانستند، با ما سخن می‌گوید. خدا برای هر ملت و برای هر فرد امروز، جایگاهی در نقشه عظیم خویش تعیین کرده است. امروز انسان‌ها و ملت‌ها با شاغولی که در دست اوست که هرگز خطا نمی‌کند، سنجیده می‌شوند. همگان به انتخاب خود سرنوشت خویش را رقم می‌زنند، و خدا بر همه چیز حاکم است تا مقاصد خود را به انجام رساند.»

«تاریخی که آن من عظیم هستم در کلام خویش ترسیم کرده است، با پیوند دادن حلقه پس از حلقه در زنجیره نبوت، از ازلیت گذشته تا ابدیت آینده، به ما می‌گوید که امروز در سیر اعصار در کجا قرار داریم، و در زمانی که خواهد آمد چه چیزی را می‌توان انتظار داشت. هر آنچه نبوت تا زمان حاضر پیشگویی کرده بود که واقع خواهد شد، بر صفحات تاریخ نقش بسته است، و ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که هر آنچه هنوز در پیش است نیز به ترتیب خود تحقق خواهد یافت.» Education, 178.